

نگاهی گذرا به اقدامات خصمانه مستقیم و غیرمستقیم ریاض علیه ایران

عربستان و جنگی تمام‌عیار

حسن حنیفه: اقدامات عربستان در چند سال اخیر

با هدف تلاش برای گسترش نفوذ خود در منطقه غرب و جنوب آسیا به حمایت از اندیشه افراطی وهابیت و سلفی‌گری معطوف بوده است. آنها از گذرگاه چنین راهبردی به دنبال تثبیت و ارتقای موقعیت بین‌المللی خود هستند که البته به قیمت تشکیل گروه‌های مسلح افراطی و تروریسم بنیادگرا تمام شده است. راهبردی که نمتنها هزینه‌های آن بر گردن ملت‌های منطقه و دیگر کشورها تحمیل شده، بلکه در موارد مشخصی نیز زمینه‌ساز بحران‌های امنیتی گسترده‌ای در آسیا و اروپا شده است. این در حالی است که این رفتار سعودی‌ها به اعتقاد برخی اندیشکده‌های اروپایی فعال در حوزه بحران‌های تروریستی بخشی از مهم‌ترین سیاست آنها در مقابله با گسترش حوزه نفوذ ایران در منطقه بوده است. به عبارت دقیق‌تر این سیاست بخشی از سناریوی ابلاغی تل‌آویو- واشنگتن برای قطع ارتباط محور مقاومت و کنترل بازوهای خارجی جمهوری اسلامی در خاورمیانه بوده که مسئولیت بخش عمده‌ای از این سناریو بر عهده ریاض قرار دارد اما در کنار این مساله سعودی‌ها بسا پهنه‌هایی همچون تعاملات و اقدامات فرهنگی و کمک‌های بشردوستانه سعی کرده‌اند جای پای هم در کشورهای افغانستان، پاکستان، ترکمنستان، تاجیکستان، ارمنستان، آذربایجان و عراق داشته باشند. این جای پا نیز برای جلوگیری از نفوذ بیشتر فرهنگی ایران در کشورهای همسایه خود و در واقع همان مقابله مستقیم با صدور شاخص‌های اصیل انقلاب به این کشورهاست. سرمایه‌گذاری‌های کلان عربستان در منطقه تأکید بالایی بر تأسیس مؤسسات ایران‌پژوهی و به دنبال آن استفاده از نتایج تحقیقی و راهبردی برای تأسیس مراکز فرهنگی، آموزشی و تحقیقی دارد. اقدامات فرهنگی و آموزشی، کمک‌های مالی به ساخت مدارس دینی منطبق بر اندیشه وهابیت و تأسیس مساجد یا مأموریت گسترش وهابیت و سلفی‌گری افراطی را می‌توان از جمله اقدامات عربستان در این حوزه دانست که به اعتقاد برخی کارشناسان سیاست خارجه می‌توان نام دیپلماسی مذهبی را نیز بر آن گذاشت.

■ **سرمایه‌گذاری سعودی با گرایش وهابیت**
در حوزه تأسیس مراکز آموزشی می‌توان به مرکز «جامعه‌المدینه» در عربستان اشاره کرد که تاکنون موفق به جذب هزاران نفر از سراسر دنیا شده و محتوای آموزشی آن کاملاً منطبق بر اندیشه وهابیت بوده و متون آموزشی آن نیز منجر به تربیت افراد باروحیه جنگجویانه می‌شود. مرکز دیگر آل‌سعود در همین رابطه، «المقرری» در مکه است که در کنار مرکز دیگری به نام «محمد بن سعود» در ریاض وظیفه گسترش فرقه وهابیت و ایجاد تضاد

پویان شریعت: صحنه یمن برای ائتلاف متجاوز

سعودی هر روز بیشتر از گذشته تبدیل به باتلاقی می‌شود که بیرون آمدن سعودی‌ها و اصلی‌ترین متحد ریاض یعنی امارات را از آن سخت‌تر می‌کند.

۲ موشک از ۴ موشک شلیک شده را رهگیری و منهدم کرده است. این درحالی است که سعودی‌ها برای نمایش قدرت و اقتدار خود در برابر کمیته‌های مردمی و ارتش یمن، آمار و ارقام بگهری و انهدام پدافندی موشک‌های یمنی را به شکلی غیرواقعی اعلام کرده و به‌رغم اصابت موشک‌های یمن به زیرساخت‌های حیاتی عربستان، همواره به تکذیب اخبار آن می‌پردازند. قبل از شروع دور جدید حملات ائتلاف سعودی به بندر الحدیده که با هدف تصرف آن و قطع ارتباط با صنعا برای جلوگیری از اعزام نیروهای انصارالله و همچنین انقطاع تنها معبر ارتباطی کمیته‌های مردمی با کمک‌های خارجی ارسالی به یمن به این بندر آغاز شده بود، سه یکباره خبر تعطیلی شبکه «المسیره» از سوی رسانه‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای منتشر شد، نکته اینجاست که پس از انتشار این خبر مشخص شده دفتر این شبکه مورد اصابت موشک‌های هوا به زمین فرانسوی قرار گرفته است. نکته قابل توجه این است که موشک‌های مذکور ۲ سال قبل زمانی که «فرانسوا اولاند» رئیس‌جمهور پیشین فرانسه به ریاض و پس از آن دوحه سفر کرده بود طی قرارداد تسلیحاتی به سعودی‌ها تحویل داده شد. این بدان معناست که صحنه میدانی یمن نمتنها از سوی عربستان و امارات، بلکه با ارائه داده‌های اطلاعاتی و کمک‌های لجستیکی آمریکا به‌علاوه پوشش هوایی و حمایت تسلیحاتی سنگین اروپا دست و پنجه نرم می‌کند. از این‌منظر هدف قرار دادن «المسیره» با باید بایکوت حقیقت در عرصه میدانی و رسانه‌ای قلمداد کنیم؛ موضوعی که بیانگر نبردی غیرمتعارف و تجاویز سراسری به ملت مظلوم یمن با مشارکت غیرمستقیم و در مواردی حضور مستقیم نیروهای بین‌المللی (آمریکایی و اروپایی) است.

اقدام متقابل یمنی‌ها و نیروهای کمیته مردمی در این کشور را می‌توان در پدافند و عملیات‌های صنعتی جیزان، پدافند موشکی سعودی مدعی شد

جنگ‌طلبانه با اندیشه شیعه را بر عهده دارد.

یکی دیگر از مراکز عربستان در همین رابطه «رابطة العالم اسلامی» نام دارد که در سال ۱۹۶۲ توسط ملک سعود در مکه تأسیس شده و از پرقدرت‌ترین سازمان‌های مذهبی در عربستان به شمار می‌رود. این سازمان در طول این سال‌ها موفق به تأسیس و حمایت بیش از هزار مسجد و صدها مرکز اسلامی در سراسر دنیا شده که وظایف آنها اجرای سیاست‌های ابلاغی و دستوری ریاض است. گزارش‌های موجود در رابطه با بخشی از فعالیت‌های این مرکز نشان می‌دهد چه جمعی از دلارهای سعودی برای گسترش اهداف آن هزینه شده است. کمک‌های این مرکز تاکنون در کشورهای دیگر منجر به تأسیس ۲ هزار مؤسسه اسلامی، ۱۲۵۹ مسجد، ۱۰۶۹ مدرسه، ۲۰۰ مؤسسه مذهبی و ۱۳۴ دانشگاه شده است. یکی از مشهورترین اقدامات این مرکز تأسیس دانشکده جهان عرب در پاریس بوده است؛ دانشکده‌ای که در واقع مسؤولیت گسترش فکر و اندیشه وهابیت در فرانسه را بر عهده دارد. در همین راستا باید به کمک‌های مالی بلاعوض عربستان به مؤسسه‌های خیریه‌ای که برای پوشش فعالیت‌های خود راه‌اندازی کرده نیز اشاره داشت؛ اقدامی که علاوه بر گسترش نفوذ ریاض و ایدئولوژی وهابی در واقع بخشی از سیاست‌های آل‌سعود برای مقابله با جمهوری اسلامی است. اما برای درک بهتر مخاطب از اهداف پشت پرده سیاست‌های تقلبلی ریاض و کمک‌های بلاعوض به این قبیل موسسات باید به اقدامات این مراکز نگاهی گذرا داشته باشیم. کمک‌های بلاعوض به این مراکز خیریه با هدف ساخت مساجد و نهادهای فرهنگی، ساخت دانشگاه‌ها، تولید کتاب، رسانه و توزیع و انتشار ادبیات وهابی به زبان‌های دیگر در کشورهای دنیا انجام می‌شود که خود گویای طراحی سران سعودی برای خلق بازوهای خرجی در خصوص اجرای سیاست‌های عربستان و مقابله با جریان مقاومت به عنوان اهرم خارج جمهوری اسلامی بوده است. باید یادآور شویم که این فعالیت‌های عربستان از ابتدا تمرکز بسیار بالایی بر حوزه پیرامونی و تمدنی ایران داشته و اکنون نیز در طول چند سال گذشته تمرکز آن برای جلوگیری از نفوذ ایران و شیعه چندین برابر افزایش یافته است.

در حوزه تأسیس مؤسسات علمی-پژوهشی هم ایفای نقش قابل توجهی از سوی عربستان مشاهده می‌شود؛ مراکزی که مأموریت دارند از یک سو ضریب کارشناسی سیاست‌گذاری خارجی خود را افزایش دهند و از سوی دیگر برای لابی‌های سیاسی خود در غرب پشتوانه و وجهه علمی ایجاد کنند. در واقع این مهم برای سعودی‌ها از طریق تأسیس اتاق فکر و مراکز مطالعاتی محقق شده و دیگر مراکز وظیفه دارند از سیاست‌های سعودی در فضای

سعودی‌ها همچنین درباره ایران نیز به شکلی مستقیم برنامه‌هایی را در دستور کار دارند که بر نظام ایران و جامعه شیعه برنامه‌ریزی و تحقیق می‌کند. بررسی رفتار سعودی‌ها در این حوزه نشان می‌دهد تلاش‌های حکام عربستان در خصوص ایجاد جایگاه برای خود در منطقه با تمرکز بسیار زیادی مشخص‌روی ایران برنامه‌ریزی شده است.

■ **مستقیم‌تهران**
سعودی‌ها بزرگ‌ترین دشمن خود را ایران می‌دانند و اساساً معتقدند همه ناآرامی‌ها و عقبنشینی‌های تحمیلی به آنها در سال‌های اخیر در نتیجه فعالیت‌ها و موفقیت‌های ایران بوده است. آل‌سعود در مساله تقابل با نظام ایران و تفکر شیعه در منطقه از تمام توان و ظرفیت‌های خود بهره برده و آن را به عنوان اولویت در دستور کار سیاست‌گذارانش قرار داده است. یکی از مشهورترین مراکز مطالعاتی



برای تحقیق و بررسی روی ایران، مرکز پژوهش‌های ایرانی «خلیج عربی» است. این مرکز از جدیدترین مراکز سعودی است که در دوره ملک سلمان آغاز به کار کرده و فقط در حدود ۳ سال عمر دارد. درباره سطح علمی این مرکز باید گفت آنها در رقابت با برترین اندیشکده‌های جهان در ۲۰۱۸ – ۲۰۱۷ میلادی از میان ۷ هزار و ۸۰۰ اندیشکده در دنیا در رتبه ۲۸ جهان ایستادند. همچنین این مرکز در لیست برترین مراکز تخصصی در امور منطقه قرار

گرفت. کارویژه تخصصی این مرکز «تمرکز بر ایران» است و در چشم‌انداز آن ذکر شده این مرکز «پیشگام جهانی در عرصه مطالعات همه‌جانبه ایران» است. در واقع این مرکز، پشتیبانی و پژوهش در خصوص ایران را-چه در مسائل استراتژیک و چه در خصوص فعالیت رسانه‌های مرتبط با ایران- برعهده دارد. راه‌اندازی

این قبیل مراکز پژوهشی که در برنامه ابلاغی ریاض به سیاست‌گذاران خود قرار دارد، نمونه دیگری از پروژه مشترک موساد و آژانس اطلاعاتی آمریکا برای شناخت، طراحی و اقدام علیه جمهوری اسلامی در همه بسسترهای موجود اعم از اقتصادی، فرهنگی، امنیتی و سیاسی است. این مراکز از جمله مرکز پژوهش‌های «خلیج عربی» بیانگر بازیگران پشت پرده و پیمانکاران اصلی این برنامه هستند. دستور کار این مراکز مانند نمونه‌های اسرائیلی و آمریکایی

بررسی ایران و عناصر موثر اجرای سیاست‌های تهران و به عبارت دقیق‌تر شناسایی بازوهای داخلی و خارجی جمهوری اسلامی و در نهایت شبیه‌سازی آل‌سعود در مساله تقابل با نظام ایران و تفکر شیعه در منطقه از تمام توان و ظرفیت‌های خود بهره برده و آن را به عنوان اولویت در دستور کار سیاست‌گذارانش قرار داده است. یکی از مشهورترین مراکز مطالعاتی

بررسی جایگاه نبرد الحدیده در آخرین وضعیت میدانی و سیاسی یمن

از بایکوت شکست آل سعود تا حربه آمریکایی



در برابر تجاوز نیروهای سعودی به شمار می‌رود، بلکه توازن قدرت در میدان نبرد را نیز می‌تواند تغییر دهد. اقدامات آفندی نیروهای یمنی در حالی بر توازن نیروهای نظامی و وضعیت میدانی اثر گذاشته است که شبکه المسیره قبل از مورد هدف قرار گرفتن از سوی سعودی‌ها اعلام کرد ارتش یمن در حمله‌ای موشکی و موفق محل تجمع مزدوران سعودی در منطقه «مشعل» واقع در استان جیزان را هدف قرار داد. در این حمله نمتنها تعداد زیادی از مزدوران به خدمت گرفته شده توسط عربستان برای مشارکت در جنگ علیه یمن کشته شدند، بلکه تجهیزات بسیاری از ارتش مزدوران عربستان نیز منهدم شد. بنا به اعلام یگان موشکی ارتش یمن، موشک به کار گرفته شده در این حمله از نوع «زلزال- ۱» بوده است. این حمله در شرایطی انجام شد که چند ساعت قبل‌تر از آن یک موشک زلزلال دیگر از خاک یمن به منطقه مرزی «علب» شلیک شد و این موشک نیز به محل تجمع مزدوران به خدمت گرفته شده توسط ارتش سعودی‌ها و متحدان کرد و تلفات قابل توجهی را به سعودی‌ها تحمیل کرد. رصد، شناسایی و اقدامات اطلاعاتی یمنی‌ها در تشخیص نقاط استراتژیک و محل‌های تجمع نیرو و تجهیزات عربستان و مزدوران اجاره‌ای آنها

یکشنبه ۲۷ آبان ۱۳۹۷



راهبردی سعی در جلب مشارکت کشورهای غربی برای مقابله با ایران دارند. از دیگر نکات جالب در تولیدات محتوایی این مراکز و ساختارهای مشابه آن می‌توان به نزدیکی محتوای تولید شده توسط این مرکز با محتوا و ادعاهای گروه‌های مختلف ضد انقلاب درباره ایران اشاره داشت. به عنوان مثال در ادعاهای سرکردگان سازمان منافقین درباره خطر ایران، از مطالب مطرح شده از سوی گروه‌های جدایی‌طلب، سلطنت‌طلب و تروریستی مخالف ایران

براحتی می‌توان محتوایی همسو با مراکز مطالعاتی عربستان علیه ایران مشاهده کرد. در ک این موضوع زمانی راحت‌تر می‌شود که مشاهده می‌کنیم همین گروه‌های ضد انقلاب به صورت منظم و متمرکز برای مقابله تبلیغی و روانی و حتی اقدامات تروریستی علیه ایران از عربستان سعودی پول دریافت می‌کنند.

در واقع بهره‌برداری از اپوزیسیون مستقر در اروپا و آمریکا به عنوان یک امکان در الگوریتم تشکیلاتی این مراکز در نظر گرفته شده است. ریاض با ایجاد چنین ساختاری به دنبال اقدام مستقیم و آفند مرکب علیه نظام و ملت ایران است. در همین راستا می‌توان از ارتباط برخی سران سعودی با جریان‌های ضد انقلاب و جلسات مکرر با سران اپوزیسیون نیز اشاره داشت. به اعتقاد برخی اندیشکده‌های اروپایی، رژیم سعودی با نگاهی اجمالی به عملکرد ۷ ساله ریاض و متحدانش در بحران خاورمیانه و همچنین سیاست‌های ابلاغی ولعبدع جوان خود حالا به این نتیجه رسیده است که برای بقا و ادامه حیات باید علاوه بر تقابل مستقیم به شکل سازمان‌یافته در بسستری مرکب، تقابلی غیرمستقیم را با نفوذ جمهوری اسلامی در دستور کار خود قرار دهد. این گزارش به برخی اقدامات ریاض برای تقابل با ملت منطقه خاورمیانه دارد. از جمله اهداف آل‌سعود برای تأسیس مراکزی مانند مرکز پژوهش‌های ایرانی خلیج، القای ایران به عنوان تهدیدی جدی برای قاره سبز و کشورهای عضو و غیر عضو اتحادیه اروپایی بوده است. سران ریاض از طریق اجرای چنین

قرار دارند، هشدارهای مکرری را به ریاض داده است؛ پیامی که محتوای آن حکایت از این دارد که دیگر نمی‌توان با اهرم نظامی معادلات در یمن را به نفع سعودی‌ها رقم زد.

در اینجا ۲ سناریو در معادلات سیاسی و میدانی یمن قابل ذکر است که برای درک بهتر مخاطب از وضعیت جنگ در این کشور به آن اشاره می‌کنیم؛ نخست اینکه ایالات متحده با فعال کردن نماینده سازمان ملل در پرونده یمن به دنبال آن است تا بتواند مدلی از مذاکرات نمایشی تجربی خود را با پوشش گسترده رسانه‌ای به افکار عمومی دنیا تحمیل کند. در واقع آمریکا به دنبال این است که با چنین پروپاگاندایی خود را پیمانکار صلح در یمن معرفی کرده و چهره دیگری را از خود به دنیا نمایش دهد؛ سناریویی که پیام دیگری را نیز در دل خود جای داده و این هشدار را به ریاض می‌دهد که حمایت از سران سعودی یاد و اندازهای دارد.

هدف دوم سنناریوی پیش رو ایجاد وقفه در نبردهای میدانی و خرید زمان برای تریق قوای تازه‌نفس به جبهه سعودی است. در واقع باید متذکر شویم این اقدام واشنگتن بیانگر این است که مزدوران سودانی و نیروهای تحت فرماندهی ابوظبی امکان اجرای دستورات و نبرد متقابل در برابر انصارالله و مقاومت یمن را ندارند. به عبارت دقیق‌تر نگاهی کوتاه به عملیات اشغال الحدیده و چگونگی رزم نیروهای تاکتیkal و پیاده ائتلاف سعودی، خود گویای میزان تلفات و شکست قوای تحت هدایت ریاض است. این مساله به این معنی است که نبرد الحدیده به یک جنگ فرسایشی خونین تبدیل شده‌است. نبردی که سعودی‌ها با عدم انتشار محتوای رسانه‌ای درباره آن و هدف قرار دادن المسیره به نوعی به شکست در این عملیات اعتراف کرده‌اند. در این بین انصارالله این موضوع را بخوبی رصد کرده و مقاومت یمن در اقدام چند روز اخیر خود، «ضیافه الشامی» عضو دفتر سیاسی جنبش انصارالله را به عنوان وزیر اطلاع‌رسانی این جنبش تعیین کرده؛ اقدامی که با هدف جلوگیری از بایکوت حقیقت درباره نبرد الحدیده و انتشار اخبار مربوط به شکست تمام عیار ائتلاف سعودی در عملیات اشغال الحدیده اجرائی شد.